



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



هلند، جنوری ۲۰۲۴

عبدالقیوم میرزاده

خارجیان معضلات ما را حل نمی کنند

از لابلای اخبار شنیدیم و دیدیم که در شرایط نهایت وخیم نسل کشی اسرائیلیان در غزه و جنگ خانمان برانداز اکرانین برای شورای امنیت سازمان ملل متحد مسئله افغانستان و به قول خودشان «تعامل هماهنگ جامعه جهانی در مورد افغانستان» از اهمیت بیشتر از نسل کشی در غزه و جنگ اکرانین برخوردار است.

در گزارش فریدون سینور اوغلی نماینده خاص سرمنشی ملل متحد در امور افغانستان که به اجلاس شورای امنیت آن سازمان که بتاريخ ۲۹ دسمبر سال ۲۰۲۳ دایر شد ارائه گردید آمده بود که موصوف در زمینه مسایل افغانستان با نمایندگان چهل کشور ملاقات کرده و توافق همه کشور ها را در زمینه حصول کرده است، اما از عکس العمل وزیر خارجه حاکمیت بر سر اقتدار بر می آید که موصوف نتوانسته توافق کشوری را حاصل کند که مسئله به آنکشور تعلق دارد نه به چهل یا پنجاه کشور خارجی!!!

من به طرز کار سازمان ملل متحد که این همه سالها به ذهل امریکا و گاهگاهی ناتو رقصیده و در بسا موارد تجاوزات مسلحانه و لشکر کشی های خونبار تا سرحد بی ارزش ترین سازمان خود را ذلیل کرده و چشمان خویش را بروی همه جنایات ضد بشری قدرت های بزرگ بسته است کاری ندارم.

توجه من در این نوشته به نظریات تحلیل گران مسایل افغانستان است که هر کدام به نحوی تحت تأثیر این اقدامات سازمان ملل متحد قرار گرفته و یکی برای ادای نماز جنازه حاکمیت بر سر اقتدار آمادگی میگیرد، آندیکری این قطعنامه و تعیین نماینده سرمنشی سازمان ملل متحد را برابر با تصمیم قاطع امریکا مبنی بر ایجاد حاکمیت جدید جایگزین بجای حاکمیت موجود دانسته و دیگرری در نقش مشاور طالبان آنها را برای مدارا و همکاری با نماینده اختصاصی سرمنشی ملل متحد دعوت میکنند.

در نظریات جمع کثیری از هموطنان ما نیامده که اگر در همچو شرایط شورای امنیت ملل متحد مهمترین مسایل خونریز جهانی را رها کرده راجع به افغانستان مجلس دایر میکند، به این معنی است که در شرایط موجود حاکمیت بر سر اقتدار در افغانستان پلانهای مطروحه گردانندگان همچو مجالس و خاصتاً ایالات متحده امریکا به ناکامی منتج گردیده و منافع شان در اهداف افغانستان و جنوب آسیا به خطر جدی مواجه گردیده است. همچنان اگر روسیه و چین در این باره رای ممتنع میدهند هم در راستای منافع خود شان تصمیم گرفته اند. هیچکدام از این کشور ها و هیچ یک از سازمانهای جهانی دایه مهربانتر از مادر برای وطن ما و مردم ما نیستند. هر کدام برای منافع خود شان دلبری میکنند.

در این گیر و دار سر و صدا ها را بلند کرده و بسیاری اعتراض دارند که طالبان یکه تاز اند و حاکمیت را غصب کرده اند و به دیگران اجازه مشارکت در حاکمیت را نمیدهند!

ما متأسفانه حافظه کوتاه داریم. اگر زیاد به گذشته نرویم تاریخ صد سال اخیر بعد از سقوط دوره امانی را در نظر بگیریم، کدام حاکمیت را سراغ دارید که به مجرد غصب حاکمیت همه نزدیکان، خویشاوندان و افراد مورد اعتمادش را در سرتاسر مناصب حاکمیت نصب نکرده باشد و یا چنگ و دندان حاکمیت را محکم در دست نگرفته باشد؟ در بسا موارد تا موقف مدیریت عمومی ارگانها خاصتاً ارگانهای مهم حاکمیت بدون در نظر داشت اصول اداره و تخصص افراد مورد اعتماد یا اعضای گروه سیاسی خویش را نصب نکرده باشند؟ کارنامه های جهادیان و دوره اول طالبان در قبایل اداره و حاکمیت شرمساری های تاریخی را از آن خود کرده است. حاکمیت شورای نظاریان زیر نام ائتلاف شمال همراه با مهره های امریکایی زیر نام تکنوکراتان را در بیست سال اخیر همه مردم افغانستان شاهد بودند که با کدام متخصصین حاکمیت را تقسیم کرده بودند؟ نمایندگان این همه دوره های یاد شده حالا از طالبان میخواهند که حاکمیت را تقسیم کنند و آن ارواح خبیثه را شریک حاکمیت سازند!

د پاپو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غږه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

از طرف دیگر همه آنهاييکه خود را در نقش خدمتگذاران مردم افغانستان جا ميزنند و اينجا و آنجا اشک تمساح ميريزند، همه پيوسته به دامان خارجي ها (ملل متحد، امريکا، روس، تاجکستان، ايران، ترکيه، فرانسه، پاکستان، ازبکستان و ديگران) چسبيده اند و از آنها در بدل عزت، شرف و ناموس خود اقتدار مجدد را گدايي ميکنند. از قرابين يادداشت هاي منتشره در رسانه هاي اجتماعي پيدااست که اين عناصر خود فروش با هر شرايط مطروحه کشور هاي خارجي حاضراند زنجير غلامی بگردن آویزند ولی با حاکمیت برسر اقتدار در افغانستان و با مردم خویش به هيجوجه حاضر به مذاکره و مدارا نيستند.

به نخبگان، نويسندگان و تحليل گران مسايل افغانستان بسيار با اهميت خواهد بود که مردم خویش را به اين امر معتقد سازند که همه خارجي ها بدون استثناً در پی منافع خویش اند و رقباي بين المللي در پی منافع خود شان به اشکال و انواع گوناگون صحنه سازی هاي بين المللي ميکنند که در هيجکدام بحث بر سر منافع مردم افغانستان در نظر نيست، آنها هرکدام تلاش دارند تا با استفاده از هر وسيله و امکان و اين دلقک بازی هاي بين المللي با فشار هاي مضاعف افراد خود را در کرسی هاي حاکميت جابجا سازند و سناريو هاي قبلي دوباره به دوران بيافتند. گروه طالبان در سال ۱۹۹۶ با افراطي ترين نحوه حاکميت را در افغانستان در دست داشتند که در آن زمان رنان و دختران حتی از خانه هایشان خارج شده نمیتوانستند چه رسد به اينکه موضوع مشارکت اجتماعي و سياسي آنها مطرح گردد، وحشت و بربريت در کشور حکمفرما بود. اما چون برحکم منافع ايالات متحده امريکا و کمپني هاي نفتي آنکشور مناسب دانسته شده بودند هيج اعتراض و صدائي نه از امريکا بلند بود و نه از سازمان ملل متحد، و نه قطعنامه در زمينه صادر ميگردید!

پس برماست تا بخوبي بدانيم که نمايندگان کشور ما تنها در شرايطي ميتوانند در چانه زنی هاي بين المللي دست بالا پيدا کنند که اولاً صلح سراسري در کشور تأمين گردد، ثبات سياسي در کشور نهادينه شده و دست همه غلام بچگان استخباراتي کشور هاي خارجي که در اين همه سالها تحت شعار هاي مختلف جنگ را در کشور ما مشتعل نگهداشتند و مردم ما را فدای اغراض شوم خارجيان و اميال شخصي خود کردند، از دامان کشور ما کوتاه و مردم از سيطره نفوذ آنها خارج گردند. اين شرايط را که ذکر کردم هم اکنون در کشور ما بطرف نهادينه شدن گام بر ميآورد و خاصتاً دست غلام بچگان استخبارات خارجي از دامان وطن کوتاه گرديده و جنگ از کشور رخت بسته است. اميد بر اين است که با موضعگيري متحدانه همه وطندوستان در راستای منافع عليای کشور ثبات سياسي و اقتصادي نير بميان آيد. شايد بسياري از مردم امروز با من همنوا نباشند اما درک منافع ملي همين است که مسايل کشور خود را از دست خارجيان وار هانيم و خود راه هاي حل افغاني برای مسايل خویش بياييم و با هم کنار بياييم و ديگر به خارجيان اجازه ندهيم که مسايل ما را حل کنند که هرگز نمی کنند.

حکم منافع ملي کشور اين است تا نخبگان و تحليل گران مسايل کشور خویش را از فکتورها يا عوامل تأمين صلح و ثبات، قطع جنگ و خونريزي واتحاد همه لايه هاي اجتماعي برای همين مامول ارزيايي کنند نه از بيد خارجيان شرق و غرب و سازمانهاي تحت فرمان شان.